

پیشگفتار

الحمد لله ربّ العالمين و الصلاة و السلام على اشرف الانبياء و المرسلين؛ سيدنا محمد و على آله الطاهرين و أصحابه الصادقين.

اما بعد، قواعد فقه از جمله دروس رشته فقه شافعی است و در سالهایی که این جانب، تدریس آن را در دانشگاه کردستان بر عهده گرفتم مطالب و یادداشت‌هایی تهیه کردم و به تحقیق و بررسی قواعد فقه شافعی در کتابهای مرجع از جمله، *الاشباه و النظائر سیوطی، الاشباه و النظائر ابن سبکی، المنشور فی القواعد زرکشی، قواعد الاحکام ابن عبدالسلام* پرداختم تا اینکه پیشنهاد تدوین و تألیف این یادداشتها به واسطه سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها مطرح شد. این کتاب برای تدریس چهار واحد قواعد فقه شافعی در دوره لیسانس تدوین و تألیف شده و به این جهت سادگی بیان و اختصار در گفتار و پرهیز از پیچیدگیهای ادبی مورد توجه بوده است. باید اذعان کرد که مطالب علمی و فقهی را نمی‌توان به شیوه‌ای آسان نوشت، اما سعی شده است مطالب و مباحث کتاب با زبانی ساده و قابل فهم ارائه شود و مثالها و مسائل فقهی به روز باشد تا دانشجویان بتوانند آن را با مسائل فقهی و حقوقی جامعه تطبیق دهند.

در نوشتار حاضر برای روشن شدن موضوع و ماهیت قاعده از جنبه نظری با مبنای قرار دادن عمده‌ترین کتب قواعد فقهی در مذهب شافعی، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و از جنبه عملی و فقهی پس از جمع‌آوری مسائل و شواهد فقهی که در زیر یک قاعده جای می‌گیرند سعی شده شواهد فقهی کاربردی و متناسب با عصر حاضر انتخاب شوند.

نوشته حاضر شامل پیشگفتار و سه فصل است. در پیشگفتار، هدف و انگیزه

نوشتن این تحقیق، ساختار کلی آن و اصطلاحات مذهب شافعی تبیین شده است. در فصل اول کلیاتی در زمینه قواعد فقه از قبیل تعریف قاعده فقهی، تفاوت قاعده با موارد مشابه مانند قاعده اصولی و ضابطه فقهی، اهمیت و جایگاه قواعد فقه و سیر تاریخی تدوین قواعد فقه بررسی شده است؛ اما در فصل دوم قواعد فقهی مورد قبول همه مذاهب اسلامی که به قواعد پنج‌گانه مشهور است بررسی شده است. در فصل سوم هم قواعد فقه مورد قبول فقهای مذهب شافعی که نزدیک به چهل قاعده اساسی است به همراه قواعد مندرج در زیر هر کدام از آنها بررسی شده است.

فقه مذهب شافعی مانند دیگر مذاهب فقهی اصطلاحاتی دارد که بدون فهم آنها درک مسائل فقهی و اعتبار هر کدام از آراء، دشوار است. به دلیل استفاده این اصطلاحات در این کتاب توضیح آنها در این پیشگفتار ضروری به نظر می‌آید، به همین منظور به شرح آنها به ترتیب زیر می‌پردازیم:^۱

۱. وجهان یا أوجه: مقصود از این اصطلاح دو یا چند رأی فقهی منسوب به مذهب شافعی است که بر اساس مبانی و مقررات مذهب شافعی تخریج و استنباط شده است. گاهی در استنباط و تخریج این آراء فقهی بدون استناد به اصول و قواعد مذهب شافعی عمل شده است.

۲. طریق یا طُرُق: این اصطلاح بیانگر اختلاف فقهای شافعی در حکایت و نقل مذهب است بدین گونه که برخی از فقهای شافعی در یک مسئله فقهی دو قول یا دو وجه از فقهای پیشین نقل کنند؛ اما دیگر فقهای مذهب نسبت به یکی از آن دو قول یا دو وجه، جزم و قطع پیدا کنند. ناگفته نماند که هر یک از دو اصطلاح «طُرُق» و «وجه» گاهی به جای دیگری به کار رفته است.

۳. جدید: جدید هر رأی فقهی است که امام شافعی در مصر در مقام تصنیف یا فتوا گفته است. مشهورترین راویان مذهب جدید عبارت‌اند از: مُزنی، بُویطی، ربیع مرادی و ربیع جیزی. از دیگر راویان مذهب جدید شافعی می‌توان از حرمله، یونس بن عبدالاعلی، عبدالله بن زبیر مکی و محمد بن عبدالله بن عبدالحکم نام برد.

۱. جوینی، مقدمه نهاییه المطلب، ص ۱۶۹-۱۷۱؛ نووی، المجموع، ج ۱، ص ۶۶-۷۰؛ شربینی، مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۱۱.

۴. اختیار و مُختار: رأی اجتهادی است که یک مجتهد بر اساس دلایل اصولی استنباط کرده باشد.

۵. قدیم: آراء فقهی است که امام شافعی در عراق در مقام تصنیف یا فتوا گفته و سرانجام از آن عدول کرده است. امام شافعی درباره این آراء فقهی خود گفته است: هر کسی را که مذهب قدیم مرا روایت کند نمی‌بخشم. امام الحرمین جوینی هم در این باره می‌گوید: به شمار آوردن آراء قدیم امام شافعی به عنوان مذهب، جایز نیست. راویان مشهور مذهب قدیم شافعی چهار نفر بوده‌اند: امام احمد بن حنبل، زعفرانی، کرابیسی و ابو ثور.

۶. قولان یا اقوال: مقصود از این اصطلاح دو یا چند قول منسوب به امام شافعی است که گاهی ممکن است هر دو قول، قدیم یا جدید باشند و گاهی ممکن است یک قول، قدیم و قول دیگر، جدید باشد. دیگر اینکه آن اقوال در یک زمان و گاهی در چند زمان صادر شده باشد. همچنین، ممکن است که امام شافعی یکی از آن دو قول را ترجیح داده و گاهی ممکن است که متعزّض ترجیح نشده باشد.

در مورد عمل کردن به این اقوال فقهای شافعی گفته‌اند که شخص منتسب به مذهب شافعی باید به آخرین قول امام شافعی عمل کند مادام که آخرین قول ایشان مشخص و معین باشد و در غیر این صورت، باید به قولی عمل شود که امام شافعی آن را برگزیده است و در صورتی که امام شافعی هیچ قولی را ترجیح نداده باشد باید قول راجح را یافت و بدان عمل کرد و هرگاه فقهای شافعی درباره قول راجح اختلاف کرده باشند و شخص منتسب به مذهب شافعی شایستگی و صلاحیت ترجیح میان اقوال را نداشته باشد باید به دو راهکار زیر عمل کند:

الف) به رأی که اکثریت فقهای شافعی یا فقیه عالم‌تر و پرهیزکارتر آن را صحیح دانسته عمل شود و در صورتی که قول راجح از نظر فقیه عالم‌تر با قول راجح از نظر فقیه پرهیزکارتر متعارض باشد قول فقیه عالم‌تر مقدم داشته می‌شود.

ب) صفات و ویژگیهای ناقلان و راویان دو قول ملاک قرار گیرد و به دلیل اینکه از نظر فقهای شافعی روایت بویطی (متوفای ۲۳۱هـ) و ربیع مرادی (متوفای ۲۷۰هـ)

و مُزنی (متوفای ۲۶۴هـ) از امام شافعی بر روایت ربیع جیزی (متوفای ۲۵۶هـ) و حرمله (متوفای ۲۴۲هـ) مقدم داشته می‌شود.

از دیگر مرجحات یک قول بر قولی دیگر این است که امام شافعی یک قول را در باب خودش اما قول دوّم را در غیر باب خود ذکر کرده باشد که در این حالت، قول مذکور در باب خود بر قولی که در غیر باب خود ذکر شده است مقدّم داشته می‌شود، به دلیل اینکه قول مذکور در باب خود پس از تفکر و تأمل و بررسی مقرر و مطرح شده است، در حالی که قول مذکور در غیر باب خود به طور گذرا و بدون تأمل و تفکر مطرح گردیده است.

۷. صحیح: این اصطلاح هنگامی به کار می‌رود که اختلاف میان آراء فقهی ضعیف باشد، به گونه‌ای که بیانگر فاسد و باطل بودن رأی مقابل است. فقهای شافعی به خاطر رعایت ادب و نگهداشتن حرمت و جایگاه امام شافعی، این اصطلاح را درباره اقوال منسوب به امام شافعی به کار نبرده‌اند.

۸. أصح: این اصطلاح هنگامی به کار می‌رود که اختلاف میان آراء فقهی قوی باشد. کاربرد این اصطلاح بیانگر این است که رأی مقابل به خاطر قوّت و مدرک دلیل نیز صحیح است. دیگر اینکه فقهای شافعی درباره اینکه حکم برگرفته از رأی اصح، قوی‌تر است یا رأی برگرفته از رأی صحیح، اختلاف کرده‌اند. رملی رأی اصح را به خاطر قوّت دلیل و مدرک، قوی‌تر دانسته است، اما برخی دیگر از فقها حکم برگرفته از رأی صحیح را قوی‌تر به شمار آورده‌اند؛ زیرا آن حکم به رأی قطعی نزدیک‌تر است. در مورد اینکه اظهر قوی‌تر است یا مشهور، همین اختلاف وجود دارد.

۹. الإمام: در کتب فقه شافعی هرگاه لفظ «الإمام» به کار رود مقصود امام الحرمین جوینی، عبدالملک بن عبدالله بن یوسف (متوفای ۴۷۸هـ) است.

۱۰. مشهور: هرگاه یکی از دو یا چند قول منسوب به امام شافعی به خاطر ضعف و سستی دلیل و مدرک، ضعیف باشد و نسبت به رأی مقابل، عجیب و غریب جلوه نماید این اصطلاح به کار می‌رود.

۱۱. مذهب: هرگاه این اصطلاح به کار رود مقصود از آن، قول «مفتی به» است و از آنجا که این اصطلاح بیانگر این است که اختلاف میان آراء فقهی اختلاف ناشی از طُرُق است بنابراین جایز است که یکی از دو قول یا دو وجه به مذهب تعبیر شود.

۱۲. نص: نص یکی از اقوال امام شافعی است که خود بدان تصریح کرده است و در هنگام اختلاف آراء فقهی مذهب، راجح است و رأی مقابل آن یا وجه بسیار ضعیفی است یا قولی است که بر اساس نص موجود در یک مسئله مشابه، تخریح شده و غیر قابل اعمال است.

شایان یادآوری است که اصطلاح «منصوص» غیر از اصطلاح «نص» است بدین معنا که ممکن است گاهی به جای «نص» یا «قول» یا «وجه» اصطلاح «منصوص» به کار رود که در این حالت، مقصود از منصوص، رأی راجح است.

۱۳. أظهر: هرگاه اختلاف ناشی از دو یا چند قول منسوب به امام شافعی از قوّت مدرک و دلیل برخوردار باشد اصطلاح «اظهر» به کار می‌رود و بیانگر این است که نسبت به رأی مقابل، ظاهرتر و آشکارتر است.

۱۴. قول مخرّج: مقصود از قول تخریح شده قول مقابل نص امام شافعی است، بدین معنا که امام شافعی درباره دو مسئله متشابه دو حکم متفاوت صادر کرده باشد بدون آنکه میان آن دو مسئله، فرق آشکاری جلوه نماید و فقهای شافعی، حکم هر کدام از دو مسئله را بر دیگری اعمال کنند و در نتیجه، درباره هر مسئله، دو قول حاصل می‌شود: قول منصوص و قول مخرّج. به سخنی دیگر، قول منصوص در یک مسئله در برابر قول مخرّج در مسئله دوّم و قول منصوص در مسئله دوّم در برابر قول مخرّج در مسئله نخست قرار دارد.

۱۵. املاء: املاء از کتب جدید امام شافعی است که در مصر بر شاگردانش دیکته کرده و ابوولید، موسی بن جارود آن را روایت کرده است؛ اما «امالی» غیر از «املاء» است به دلیل اینکه «امالی» از کتب قدیمی امام شافعی است.

۱۶. تعالیق: به آنچه یک امام دیکته می‌کند و شاگردانش آن را می‌نویسند و به کتاب تبدیل می‌کنند تعالیق، تعلیقه، املاء یا امالی گفته می‌شود.

شایان یادآوری است که قواعد فقه مطرح شده در این کتاب جای بس تحقیق و پژوهش دارد و آنچه در این کتاب مطرح شده به اندازه وسع علمی و در حقیقت، غیض از فیض است که امید می‌رود مقبول خداوند متعال، واقع شود و توشه راه آخرت اینجانب قرار گیرد و از محققان و پژوهشگران در زمینه علوم دینی امید می‌رود که خلاً موجود در این زمینه را با نوشته‌ها و تحقیقات خود برطرف سازند و نواقص و معایب این نوشتار را به اینجانب تذکر فرمایند.

و الحمد لله أولاً و آخراً

سالم افسری

تابستان سال ۱۳۹۰ هجری شمسی